



آخرین وصیت امام حسین (ع) چه بود؟

روایتی از امام پنجم حضرت امام محمد باقر «سلام الله علیه» نقل شده است و آن حضرت از پدر بزرگوارشان امام سجاد «سلام الله علیه» و ایشان هم از پدرشان حضرت سیدالشهداء «سلام الله علیه» و آن امام بزرگوار از قول مبارک امیر مؤمنان و مولای متقیان امیرالمؤمنین «سلام الله علیه» روایت را نقل می‌فرمایند.

آیت الله العظمی مظاهری در تبیین فضائل و شرح احادیث حضرات معصومین (ع) آخرین وصیت حضرت سیدالشهداء (ع) را شرح دادند.

&171# رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي وَاحْتِلْ عَقْدَةً مِّنْ لِّسَانِي يَقْقُوهَا قَوْلِي

روایتی از امام پنجم حضرت امام محمد باقر &171# سلام الله علیه نقل شده است و آن حضرت از پدر بزرگوارشان امام سجاد &171# سلام الله علیه و ایشان هم از پدرشان حضرت سیدالشهداء &171# سلام الله علیه و آن امام بزرگوار از قول مبارک امیر مؤمنان و مولای متقیان امیرالمؤمنین &171# سلام الله علیه روایت را نقل می‌فرمایند.

همچنین در روایت آمده است که امام حسین و امام سجاد &171# سلام الله علیهما در آخرین لحظات حیات و هنگام شهادت، روایت را وصیت کرده‌اند. یعنی علاوه بر این که چهار امام معصوم این مطلب را بیان فرموده‌اند، دو امام بزرگوار در حساس‌ترین مواقع به ذکر روایت پرداخته‌اند. معلوم می‌شود روایت، بسیار اهمیّت دارد که این سلسله نورانی و مطهر آن را نقل فرموده‌اند.

به خصوص حضرت اباعبدالله الحسین &171# سلام الله علیه در روز عاشورا و موقعی که همه اصحاب و یاران به شهادت رسیده بوده‌اند، یعنی در آن موقعیت حساس، که لازم است مهم‌ترین و حساس‌ترین مطالب بیان شود، آخرین وصیت خود به فرزند برونشان که در حقیقت آخرین وصیت ایشان به شیعیان و بلکه بشریت است را چنین بیان می‌فرمایند:

&171# يَا بَنِي إِسْرَءِيلَ وَ ظَلَمَ مَنْ لَا يَجِدُ عَلَيْكَ نَصِيرًا إِلَّا اللَّهُ [1]

ای فرزندانم، از ظلم به کسی که در برابر تو، هیچ یاری کننده‌ای به جز خداوند ندارد، بر حذر باش.

بارزترین مصداق مظلوم، حضرت اباعبدالله الحسین &171# سلام الله علیه و یاران با وفای ایشان هستند. افراد شروری به آنان ظلم کردند و ایشان را با آن وضعیت به شهادت رسانیدند و پس از شهادت مردان، زنان و کودکان را به اسارت بردند. یعنی به کسانی که در آن بیابان و در اوج تشنگی، هیچ یآوری به جز خداوند متعال نداشتند، ظلم کردند.

ظلم و به خصوص ظلم به افراد بی‌پناه و بی‌یاور، اقسامی دارد که ذیلاً چند نمونه از آن بیان می‌گردد.

ظلم حاکمان

مرتبه نازل‌تر ظلم به مظلوم بی‌یاور، ظلم برخی حکومت‌ها به مردم بی‌پناه است. افرادی که بر یک ملت مسلط می‌شوند و نسبت به آنان ظلم روا می‌دارند و آن ملت در برابر ظلم ظالمان، یآوری جز خداوند برای خویش نمی‌یابند، مصداق روایت شریف هستند.

این مرتبه از ظلم نیز بسیار مذموم و ناپسند است و بنابر فرمایش پیامبر گرامی &171# صلی الله علیه و آله وسلم، تسلط افراد شرور بر یک ملت، اثر وضعی کردار آن ملت است:

&171# سَيَأْتِي زَمَانٌ عَلَى أُمَّتِي يَفْرُونَ مِنَ الْعُلَمَاءِ كَمَا يَفِرُّ الْعَتَمُ عَنِ الذُّبِّ إِذَا كَانَ كَذَلِكَ ابْتِلَاهُمُ اللَّهُ تَعَالَى بَثَلَاتٍ أَشْيَاءَ الْأَوَّلُ يَرْفَعُ الْبَرَكَةَ مِنْ أُمُومِهِمْ وَ الثَّانِي سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا جَائِرًا وَ الثَّالِثُ يَخْرُجُونَ مِنَ الدُّنْيَا بِلَا إِيْمَانٍ [2]

زمانی بر امت خواهد آمد که از علماء فرار می‌کنند همان‌گونه که گوسفند از گرگ فرار می‌کند. هر گاه چنین شد، خداوند آنان را دچار سه بلا می‌کند: اول: برکت از اموال آنان برمی‌دارد. دوم: زمامداری ستمگر بر آنان مسلط می‌کند. سوم: بی‌ایمان از دنیا می‌روند.

ظلم کارفرما به کارگر نیز ظلم بزرگی است. به خصوص هنگامی که کارگر، مجبور است برای یک کارفرما کار کند و اگر ستم و زورگویی او را نپذیرد، اخراج می‌شود و بی‌کار می‌گردد. در بسیاری از موارد، کارفرما از احتیاج کارگر به کار، سوء استفاده می‌کند و بر وی مسلط

شده و او را استثمار می‌نماید. البته کارگر و افراد زیردست نیز باید کار خود را به نحو احسن انجام دهند و کم کاری، بدکاری و بی‌کاري نداشته باشند که حقّ التّاس و ظلم است.

ظلم اعضاي خانواده نسبت به یکدیگر

مرتبه سوم ظلم به افراد بی پناه، ظمی است که اعضای خانواده نسبت به هم روا می‌دارند. ظلم زن و شوهر نسبت به یکدیگر یا آنان نسبت به اولاد و ظلم اولاد نسبت به پدر و مادر، هنگام بی پناهی و بی یآوری طرف مقابل، مصداق بحث ما است.

هنگامی که زن، پشتیبان ندارد و مجبور است به ظلم شوهر خویش بسوزد و بسازد و همچنین مرد، مجبور است برای حفظ آبرو یا جهات دیگری، ظلم همسر خویش را تحمل کند.

سرزنش، زخم زبان، نیش و کنایه به همسری که پناه‌گاه و پشتیبان و یآوری جز خداوند ندارد، ظلم بزرگی است. گاهی اوقات یک مادر پیر و ناتوان، به جز فرزند خویش هیچ کس دیگری را در این دنیا ندارد و چاره‌ای جز تحمل آزار و اذیت او و شنیدن کنایه‌های نیش دار او ندارد که انصافاً گناه آن فرزند، گناه بزرگی است.

قرآن کریم در مورد رعایت احترام پدر و مادر، به خصوص وقتی که آنان زیر دست انسان واقع شوند، تاکید فراوان دارد و وظیفه فرزند را در این گونه موارد سنگین و حساس بر می‌شمرد.

171#& وَ قَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَ قُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا وَ اخْضَعْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَ قُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا[3]

و پروردگار تو حکم کرد که جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید. اگر یکی از آن دو یا هر دو نزد تو به پیری رسند پس به آنها «ف- سخن بیزاری و ناخوشایند- مگو و بر ایشان بانگ مز- یا: ایشان را از خود مران-، و به ایشان گفتاری نیکو و درخور گرامیداشت بگو. و آن دو را از روی مهربانی بال فروتنی فرود آر، و بگو: پروردگارا، آن دو را به پاس آنکه مرا در خردی پروردند، ببخشای.

نکته ظریف این آیات آن است که سفارش به رعایت احترام والدین در کنار سفارش به پرستش خدای یگانه واقع شده است.

ظلم به فرزند نیز مذموم و ناپسند است. دختری که مقدمات ازدواج او فراهم نشده و تحت تکلف پدر و مادر است، شرایط حسّاسی دارد و نباید با زورگویی، درشت گویی و یا سرزنش و اهانت پدر و مادر مواجه شود.

ظلم به دیگران، به واسطه اهانت و آبروریزی

مرتبه بعدی ظلم به افراد بی یاور، که پرهیز از آن اهمیّت بسیاری دارد، گناهی نظیر غیبت، تهمت و شایعه پراکنی است. متأسفانه این مرتبه از ظلم امروزه در جامعه بسیار رایج و شایع است. افراد در مجلس می‌نشینند و پشت سر کسی که حضور ندارد، غیبت می‌کنند یا به او تهمت می‌زنند.

در بسیاری از مجالس، برای کسی که حضور ندارد، شایعه سازی و شایعه پراکنی می‌کنند و چون نمی‌تواند از خودش دفاع کند و پاسخ شایعات را بدهد، در آن جلسه یآوری جز خداوند ندارد و مظلوم واقع می‌شود.

تهمت و نسبت ناروا به دیگران دادن، گناه بسیار بزرگی است که امروزه نقل محافل و مجالس شده است. من تصور می‌کنم کمتر مجلسی بشود یافت که این گناهان بزرگ و این ظلم‌های عظیم در آن نباشد. به تجربه هم اثبات شده است که افرادی که مرتکب چنین گناهی می‌شوند، عاقبت به خیر نخواهند شد.

بردن آبروی دیگران و هتک حرمت و اهانت به شخصیت سایر انسان‌ها، حقّ التّاس است و اگر انسان نتواند جبران حقّ التّاس خویش را بکند، عاقبت سوئی در انتظار او خواهد بود.

بیش از نود درصد سخنانی که در محافل و مجالس بیان می‌شود، تهمت است و کسانی که مورد این ظلم واقع می‌شوند، از آن نسبت‌هایی که به آنان داده می‌شود، مبرا هستند. ای کاش لاف‌زن این سخنان غیبت بود.

من همواره به جوانان می‌گویم: شما را به خدا قسم می‌دهم تهمت نزید و اگر راجع به کسی تهمت شنیدید، از او دفاع کنید. متأسفانه بسیار اتفاق می‌افتد که افراد متدین در جلسات حضور دارند و در مقابل آنان به دیگران تهمت زده می‌شود ولی یا سکوت می‌کنند و یا آن تهمت را همراهی می‌کنند که هر دو بد است.

امام حسین « سلام‌الله‌علیه» در روز عاشورا همه ما را از چنین ظلم‌هایی بر حذر داشته‌اند.

با تأسف باید گفت: بسیاری از رسانه‌های گروهی، روزنامه‌ها و سایت‌های اینترنتی، امروزه تبدیل به تهمت‌نامه، غیبت‌نامه و فحش‌نامه شده‌اند. مطلبی منتشر می‌کنند و خودشان هم می‌دانند که تهمت است، ولی منتظر می‌مانند تا تکذیب شود. اما وقتی آبروی کسی رفت و شخصیت او در اذهان عمومی خدشه دار شد، تکذیب مطلب سودی به حال وی نمی‌بخشد و جبران آبروی رفته را نمی‌نماید.

اهانت به دیگران و بردن آبروی افراد، مثل جنگ با خداوند متعال است.

«#171; مَن أَهَانَ لِي وَلِيًّا فَقَدْ بَارَزَنِي بِالْمُحَارَبَةِ» [4]

گناه کسانی که تهمت می‌زنند و اهانت می‌کنند بسیار بزرگ است و افرادی که آن تهمت و اهانت را می‌شنوند و از مظلوم دفاع نمی‌کنند نیز گناهکارند. اهمیت این مطلب به قدری است که چهار امام بزرگوار آن را بیان فرموده‌اند و نیز در روز عاشورا، آخرین گفتگوی دو انسان کامل، دو امام معصوم، در حساس‌ترین مواقع، راجع به پرهیز از ظلم به کسی است که یآوری ندارد.

روایت امام حسین « سلام‌الله‌علیه» همیشه مصداق دارد

روایت نورانی امام حسین « سلام‌الله‌علیه» صرفاً مربوط به زمان خودشان نیست. این روایت زنده است و همواره مصداق دارد. بنابراین ذهن ما نباید فقط برود روی ظلمی که شمرابن ذی‌الجوشن و عمر سعد و ابن‌زیاد به اهل‌بیت « سلام‌الله‌علیهم» روا داشتند. بلکه باید مراقب باشیم خود ما مصداق سخن و هشدار حضرت سید‌الشهدا « سلام‌الله‌علیه» واقع نشویم. دفاع از مسلمانان، از اوجب واجبات است و کوتاهی از دفاع کسی که یآوری ندارد، گناه بزرگی است.

بعضی اوقات گرفتاری‌های دنیوی افراد صالح و شایسته، ناشی از عدم دفاع آنان از مظلومین است. یعنی غیبت یا تهمتی شنیده‌اند و نتوانسته‌اند یا نخواسته‌اند، دفاع کنند و ناخودآگاه و ناخواسته، ظالم شده‌اند. خداوند متعال نیز که مظهر رحمت و رأفت است و بنا دارد افراد نیکوکار و پرهیزکار را به بهشت ببرد، آنان را گرفتار می‌کند یا قبل از مرگ به بیماری سختی مبتلا می‌کند تا پاک شوند و از این دنیا بروند و این لطف از الطاف خفیه خداست. البته این مطلب کلیت ندارد و گرفتاری‌های دنیوی عوامل بسیار دیگری نیز دارد.

عالم برزخ و قیامت نیز برای افرادی که به دیگران اهانت کرده‌اند یا تهمت زده‌اند یا غیبت آنان را کرده‌اند و حتی برای کسانی که شاهد این گناهان بزرگ بوده‌اند و از مظلوم، دفاع نکرده‌اند، بسیار مشکل است. بنابر این توبه از این گناهان بزرگ، از اوجب واجبات است و باید به آن اهمیت داده شود.

جهنم، از الطاف خفیه خداوند

اگر افراد گناهکار بدون توبه از دنیا بروند، باید در جهنم بسوزند تا کدورات گناه آنان برطرف شود، پاک شوند و لیاقت بهشت را پیدا کنند. شدت رحمت و مغفرت پروردگار متعال به قدری است که جهنم نیز از الطاف خفیه او است و برای زدودن ناپاکی‌ها و ناخالصی‌ها و پاکیزه کردن انسان می‌باشد.

اگر آدمی ظالم شد، به خصوص اگر به کسانی که یآوری جز خداوند ندارند، ظلم کرد، جایگاه او جهنم است و در جهنم نیز به جای اینکه از الطاف بی‌کران الهی استفاده کند و خود را نجات دهد، حقه بازی می‌کند و تصور می‌کند همان‌گونه که در دنیا ظلم می‌کرد و دیگران را فریب می‌داد، در جهنم نیز می‌تواند خداوند را فریب دهد.

«#171; يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيَحْلِقُونَ لَهُ كَمَا يَحْلِقُونَ لَكُمْ وَ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْكَاذِبُونَ» [5]

در روزی که خداوند همه آنها را برمی‌انگیزد، پس برای خدا سوگند یاد می‌کنند آن‌گونه که برای شما سوگند یاد می‌کنند، و گمان می‌کنند بر پایه چیزی هستند، آگاه باش که آنها همان دروغگویانند.

اگر افراد ظالم و مکار، چند روزی در دنیا به ظاهر موفق می‌شوند، خود آنان و دیگران نباید تصور کنند که خداوند خیر آنان را می‌خواهد و به آنان نعمت عطا می‌فرماید، بلکه در حقیقت خداوند متعال به این افراد مهلت می‌دهد تا هرچه می‌توانند بر گناه و ظلم خویش بیفزایند.

«وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُثَمِّلِي لَهُمْ حَبِيرٌ لِّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمْلِي لَهُمْ لِيُزِدُوا إِثْمًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ»[6]

و کسانی که کفر ورزیدند گمان نکنند که آنچه به آنها مهلت می‌دهیم به خیر آنهاست، جز این نیست که مهلتشان می‌دهیم تا بر گناه بیفزایند، و برای آنها عذابی خوارکننده است.

بنابراین باید همه توجه داشته باشند و بنا بر فرمایش امام حسین«سلام‌الله‌علیه»، از ظلم به کسی که ناصر و یوری جز خداوند تبارک و تعالی ندارد، بر حذر باشند.

اگر هم ظمی از کسی سرزد یا شاهد ظلم دیگران بود و نتوانست از مظلوم دفاع کند، باید فوراً توبه کند و به جبران ظلم واقع شده بپردازد تا خداوند سبحان از قصور و تقصیر او بگذرد و او را بیامرزد.

پی‌نوشت‌ها:=====

1. الکافی، ج 2، ص 331

2. جامع الأخبار، ص 130

3. اسراء / 23-24

4. الکافی، ج 1، ص 144

5. مجادله / 18

6. آل عمران / 178

منبع: پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله العظمی مظاهری